

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله سوم: اهداف پایانی
فصل هشتم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله سوم

فصل هشتم

پایان ناگهانی ممکن است لازم گردد

من راجع به پایانی که اشتباهاً بخاطر ادامه ندادن متقاضی یا دلائلی که مربوط به مشاور بوده، صحبت کرده ام. حال راجع به موقعیت هائی که پایان مشاوره را ناگهان لازم می دارند، صحبت خواهم کرد.

ابتدا، موردی است که به نظر شما معلوم است مشاوره انجام نمی گیرد (در پرتو کلام). بیاد داشته باشید که تنها ایمانداران حقیقی می توانند در فیض خدا رشد کنند، گناهان گذشته را پشت سر گذارند، و راه های جدید خدا را جایگزین کنند. در صورتی که به نحوی معلوم شده که متقاضی مسیحی نیست (متقاضی اعتراف کرده، یا شما حدس زده اید و با پیگیری حقیقت ثابت شده)، مشاوره باید ناگهان پایان گیرد.

اما، این به معنی آن نیست که متقاضی از جلسات نیز اخراج می شود. به هیچ عنوان کاری که باید انجام بگیرد این است که به او بفهمانید، تنها از طریق کلام خدا است که با ایمانداران مشورت می کنید:

رومیان ۸

۸: و کسانی که در حاکمیت نفس هستند، نمی توانند خدا را خشنود سازند.

شما خیال ندارید زندگی کسی که پسندیده خدا نیست را، تبدیل به نوع ناپسند دیگری کنید. پس چکار باید کرد؟ جلسات مشاوره تبدیل به جلسات بشارت می گردند. مشاوره به درجه دوم اولویت قرار می گیرد. حال باید از خدا و انسان شروع کرد تا به توبه و ایمان دسترسی پیدا کرد. البته بعنوان مشاور مسیحی باید همچنین به او بگوئید، خدا راه حل مسائل و مشکلات او را دارد، اما ابتدا باید عیسی را بعنوان فرزند یگانه خدا، قبول بکند و پیرو او بگردد. صفات خدا تنها برای ایمانداران نگهداری شده.

اما در همین رابطه باید این هشدار را نیز بدهید، منظور از ایمان به عیسی مسیح تنها این نیست که با زبان اعتراف کند، بخاطر آنکه می خواهد جلسات مشاوره ادامه پیدا کنند. تنها زمانی که دلش لمس شده ایمان آورده است. در غیر این صورت، هر چه در جلسات مشاوره انجام بگیرد در حقیقت به ضرر او تمام خواهد شد. خدا از او خوشنود نخواهد بود، و رفتارها تنها ظاهری خواهند بود (مانند فریسیان)، و نهایتاً بخاطر دورویی ایجاد شده مسائل و مشکلات او بیشتر خواهند شد، و او از پای در خواهد آمد. این هشدار را اکثر مسیحیان نمی دهند!

اگر متقاضی آینده شما به عیسی مسیح ایمان آورد، آموزش بسیاری را باید کسب کند. اما فهم و دانش کمی که دارد در حقیقت به نفع او تمام می شود. می تواند او را چنان به وجد در آورد که سریعتر از کسانی که مدتی است ایمان آورده اند درک کند و حفظ نماید. بیاد بیاورید کلیسای افسس را که "محبت نخستین" خود را از دست داده بود:

مکاشفه ۲

۴: «اما این ایراد را بر تو دارم که محبت نخستین خود را فرو گذاشته ای.

این محبت اولی که در ابتدای ایمان، چنان غیرتی برای خدا ایجاد کرده بود، سر انجام اعمالی را بجای آورد که پسندیده خدا بود:

مکاشفه ۲

۵: به یاد آر که از چه اوجی سقوط کرده ای. پس توبه کن و اعمالی را به جا آور که در آغاز به جا می آوردی. چه اگر توبه نکنی، خود خواهم آمد و چراغدانت را از آنجا که هست برمی گیرم.

از آن هیجان و اشتیاق استفاده کنید و آموزش فشرده، اما کلی کلام، را به او بدهید. ممکن است زمانی که شوق و اشتیاق او کمتر شد، با چنین سرعتی نتواند پیش برود. دلایل دیگری نیز هست برای آنکه مشاوره را نا بهنگام پایان داد. یکی از دلایل تاسف بار در مشاوره مسیحی، زمانی است که متقاضی کراراً از انجام خواست خدا ممانعت می کند. در چنین صورتی، مرحله پایانی مشاوره تبدیل به مرحله انضباط خواهد شد. بیاد داشته باشید که کلیسای عیسی مسیح هیچ ایماندار را تادیب نمی کند، اما در صورت لزوم، انضباطی که کلام خدا بطور واضح نشان داده را اجرا می نماید. اگر متقاضی مکرراً امتناع ورزد (تمرد)، آنگاه از کلیسا اخراج می گردد. تمرد یعنی رد کردن حاکمیت خدا، و کلیسا مسئول اجرای احکامی است که خدا در کلام به او داده. این حاکمیت را نمی توان نادیده گرفت. امروزه دورانی را می گذرانیم که حاکمیت، ناپسند محسوب شده، و پیشنهاد می شود خلاف آن ایستادگی نیز کرد. اما حاکمیت حقیقی تنها از خدا است که بی نهایت است، و از او نیز صادر می گردد. زمانی که حاکمیت کلیسا از میان برود، همه نوع حاکمیت از میان خواهد رفت. ببینید کلام خدا چه می گوید:

عبرانیان ۱۳

۱۷: از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید؛ زیرا ایشان بر جانهای شما دیده بانی می کنند و باید حساب بدهند. پس بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله، زیرا این به نفع شما نخواهد بود.

هیچ شک و ابهامی در این فرمان نیست، مگر بخواهید آیه دیگری را نیز بکار برید:

تیتوس ۲

۱۵: اینها را بگو، و با کمال اقتدار تشویق و توبیخ کن، و مگذار کسی تو را حقیر شمارد.

آنچه در متی راجع به انضباط نوشته شده نیز گویای این حقیقت است:

متی ۱۸

۱۵: «اگر برادرت به تو گناه ورزد، نزدش برو و در خلوت خطایش را به او گوشزد کن. اگر سخت را پذیرفت، برادرت را بازیافته ای؛

تمرد، امتناع از پذیرفتن سخنانی است (“گوشزد”، “سخن”) که کلیسای در حکم خدا بیان کرده. شخصی که کراراً نمی پذیرد، خود را مرتد می سازد.

اگر متقاضی شما به خاطر تفرقه سازی به شما معرفی شده، در این مورد نیز باید مشاوره را (پس از یک یا دو جلسه برای ایجاد توبه بنای رابطه جدید) پایان بدهید:

تیتوس ۳

۱۰: به آن که عامل تفرقه است یک بار، و سپس برای دومین بار هشدار ده، و از آن پس، با او قطع ارتباط کن.

معمولاً مشاوران جلسات را بخاطر اهمیتی که برای متقاضی دارند، بیش از حد ادامه می دهند. در صورتی که در این مدت کلیسا ممکن است دچار دو دستگی شود. من این را "اهمیت نا بجا" نام برده ام، چون نگرانی اصلی باید برای اعضای کلیسا باشد. کلیسا است که در خطر است. به تیتوس گفته شد که مشاوره را ادامه ندهد و انضباط را نیز کاملاً اجرا نکند. گفته شد که مشاوره را ناگهان پایان داده، و قطع رابطه کند. منظور، عجله ای است که در کار است، بخاطر آنکه شخص سرکش و متمردي در کلیسا هست که می تواند بزودی ویرانی ببار آورد. کسانی که فکر می کنند می توانند بیش از خدا بخشنده باشند، اشتباه بزرگی می کنند، و معمولاً باعث از هم پاشیدگی اعضا می گردند. تفرقه موضوع بسیار خطرناکی است، و هیچ گاه نباید تحمل بگردد.

مشاوره زمانی باید پایان بگیرد که متوجه می شوید توانائی رسیدگی به مسائل متقاضی را ندارید. و صحیح است که متقاضی را نیز از این موضوع با اطلاع کنید. سپس لازم است مشاوره که شایستگی دارد را پیدا کرده و متقاضی را به او معرفی کنید. هیچ خفت یا رسوائی در ندانستن چیزی وجود ندارد. اما، رسوائی را برای کسانی که آموزش پذیر نخواهند بود، باید ایجاد کرد. زمانی که متقاضی را به مشاور دیگر معرفی می کنید، خود را نیز معرفی نکنید. شاید شما نیز بتوانید از او بیاموزید. چرا نباید ضعیفی که خدا در شما افشا نموده نیز شامل برکت او گردد؟

سپس متقاضی هست که اصرار دارد بقدر کافی مشورت کرده، در صورتی که برای شما واضح است که این طور نیست. شما این را به او گفته اید و دلیل قضاوت خود را نیز بازگو کرده اید، اما او گوش نمی دهد. آنگاه چکار باید کرد؟ می گوئید، "بسیار خوب، اگر این اصرار شما است، خلاف نظری که من دارم مشاوره را پایان خواهیم داد. البته ممکن است شما درست گفته باشید. اما من فکر نمی کنم، و در صورتی که متوجه شدید اشتباه کرده اید و مسائل و مشکلات شما را از پای در آورد، من حاضر خواهم بود همین جا شما را دوباره ملاقات کنم".

امیدوارم حال توجه کرده اید، با وجود آنکه صحیح نیست قبل از اتمام کار، مشاوره را پایان داد، در بعضی مواقع خاص، پایان ناگهانی ممکن است لازم گردد. در حقیقت در خصوص بعضی موارد پایان ناگهانی باید صورت بگیرد. نقش خود بعنوان خادم کلیسا (تمام اعضا) را نیز فراموش نکنید، و حرمت مقدس کلیسا را حفظ کنید.